

پاسخ‌های مرحوم دکتر نوربخش

به سه مساله اقتصادی و بانکی

می‌نمایند، کار چندان آسانی نمی‌باشد. همان گونه که می‌دانیم، از ابتدای سال ۱۳۸۱ سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در چهارچوب نظام ارزی شناور مدیریت شده به اجرا گذاشته شده است. به علاوه، در ایران، در کنار سیستم مالی و پولی رسمی و متشکل، یک بازار غیرمتمشکل و غیررسمی وجود دارد که نرخ‌های بهره در آن، براساس سودآوری در فعالیت‌های گوناگون اقتصادی تنظیم می‌گردد و عموماً بسیار بالاتر از نرخ‌های سود بانکی است. در چنین شرایطی، کاهش نرخ‌های سود بانکی فقط در صورت کاهش پایدار نرخ تورم موضوعیت می‌یابد و کاهش این نرخ‌ها در شرایط فعلی، فقط باعث افزایش تقاضا برای اعتبارات شده و صف متقاضیان تسهیلات را طولیل تر می‌نماید و باعث افزایش نارضایتی‌ها می‌شود. به علاوه، نرخ ارز در ایران نیز برخلاف بسیاری از کشورهای پیشرفته، کاملاً متأثر از شرایط عرضه و تقاضا در بازار نمی‌باشد، بلکه عمدتاً متأثر از درآمدهای نفتی کشور است. از این رو، تقویت پول ملی زمانی با ارزش است که ریشه در مزاد حساب جاری کشور و استمرار آن از طریق افزایش قدرت رقابت صادرات غیرنفتی کشور در بازارهای جهانی داشته باشد.

در ایران، متأسفانه همواره افزایش ارزش ریال در مقابل ارزهای عمده، همزمان با رشد قیمت نفت و به تبع آن، رشد درآمدهای ارزی دولت بوده است. این پدیده، به همراه تمایل وافر به هزینه نمودن منابع ارزی، منجر به رشد واردات شده که روند پیشرفت دانش فنی در کشور را دچار اختلال کرده و موجب تضعیف روند رشد میان مدت اقتصادی کشور می‌گردد که در نهایت، بیانگر تضعیف بیشتر ارزش ریال در آینده خواهد بود.

● در رابطه با یکسان‌سازی نرخ ارز، دو الزام پیش‌بینی شده است تا این سیاست با موفقیت به پیش رود: - تنظیم و اجرای برنامه پرداخت یارانه‌های مستقیم و هدفمند؛ - تنظیم برنامه جامع تأمین اجتماعی برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر. آیا دو الزام فوق عملی شده است؟ آینده سیاست یکسان‌سازی را چگونه می‌بینید؟ آیا رجعتی به چند نرخی خواهد بود؟

○ بنا بر بند «ث» تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۸۰، دولت مکلف شده که در نیمه اول سال ۱۳۸۰ با انجام مطالعات و بررسی‌های کارشناسی، مقدمات قانونی و امکانات اداری و مالی لازم برای یکسان‌سازی نرخ ارز از ابتدای سال ۱۳۸۱ را فراهم نماید. همچنین، براساس قانون بودجه سال ۱۳۸۰ مقرر گردیده بود که نرخ کالا‌های اساسی و خدماتی که ارز آنها با نرخ دولتی تأمین شده است، در سال اول افزایش نیابد. در همین راستا، در قانون بودجه سال ۱۳۸۱ در قسمت برآورد هزینه‌های متفرقه سال ۱۳۸۱ ردیف متمرکز تحت عنوان مابه‌التفاوت نرخ ارز

در تاریخ ۱۳۸۱/۸/۶ یکی از جلسات سخنرانی‌های ماهانه پژوهشکده پولی و بانکی برگزار شد و شادروان دکتر نوربخش، ریاست کل وقت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران هم به مرور تحولات اقتصادی ایران در سال‌های ۸۱-۱۳۸۰ پرداخت. در پایان سخنرانی ایشان، سوالات مکتوبی از سوی حاضران در جلسه مطرح شد که به علت ضیق وقت، موکول به ارایه پاسخ کتبی شد. مشروح این پرسش و پاسخ‌ها هم در زمستان سال گذشته توسط پژوهشکده پولی و بانکی چاپ و منتشر شده است. اینک پاسخ‌ها و نظریات مرحوم دکتر نوربخش در سه حوزه از مسائلی که مطرح شده است، انتخاب و به شرح زیر نقل می‌شود:

۱) یکسان‌سازی نرخ ارز

● یکی از سیاست‌های موفق بانک مرکزی، یکسان‌سازی نرخ ارز بود که از خواص مهم آن، تثبیت نرخ ارز می‌باشد. این تثبیت، رابطه معکوسی را بین نرخ بهره و نرخ ارز ایجاد می‌کند، زیرا بالا بودن نرخ بهره در شرایط تثبیت نرخ ارز، باعث ورود سرمایه خارجی می‌شود و همان طور که ارقام نشان می‌دهند، این واقعه در حال اتفاق افتادن است. ورود ارز هم باعث افزایش هزینه بانک مرکزی جهت تثبیت نرخ ارز می‌شود، چون فشار بر نرخ ارز به صورت مداوم جهت کاستن از آن وجود خواهد داشت. نتیجتاً یا باید نرخ ارز پایین بیاید یا نرخ بهره. نظر جنابعالی چیست؟

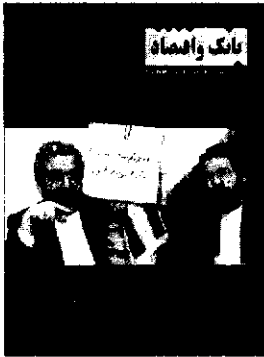
○ دو متغیر نرخ واقعی ارز و نرخ واقعی بهره در یک نظام مبتنی بر بازار، دو متغیر کلیدی جهت تخصیص منابع می‌باشند. در اصل، در یک سیستم با نرخ‌های ارز انعطاف‌پذیر و عدم تحرک سرمایه، نرخ واقعی ارز، مکانیزمی جهت به تعادل کشاندن حساب جاری تراز پرداخت‌های کشور [است] و نوسانات نرخ واقعی بهره، شکاف بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری داخلی را پر می‌نماید. اما در یک سیستم اقتصادی باتحرک سرمایه، شکاف بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری می‌تواند به وسیله جریان‌های ورودی سرمایه دوام یابد. در چنین سیستمی، وظیفه واقعی نرخ بهره دیگر محدود به پر نمودن شکاف بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری داخلی نمی‌باشد، بلکه فاصله بین نرخ با نرخ‌های واقعی بهره در سایر کشورها، یک عامل جهت تخصیص سرمایه بین کشورها و میزان رشد اقتصادی و نرخ واقعی ارز در هر کشور است. از این رو، بحث ارایه شده در این سوال کاملاً مورد تأیید است.

اما مقایسه کامل این متغیرهای اساسی و مکانیزم تنظیم آنها در ایران با کشورهای پیشرفته‌ای که از مکانیزم فوق تبعیت



○ کاهش نرخ‌های سود بانکی در شرایط فعلی، فقط باعث افزایش تقاضا برای اعتبارات شده و صف متقاضیان تسهیلات را طولیل تر می‌کند و باعث افزایش نارضایتی‌ها می‌شود.

○ موفقیت سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در کوتاه‌مدت، در گروهی اجماع نظر مقامات پولی و مسالی در تنظیم سیاست‌های پولی و مالی و همچنین، تداوم سیاست آیین‌سازی اقتصاد داخلی در مقابل شوک‌های خارجی است.



بین سیاست‌های پولی و مالی در چهارچوب قانون برنامه سوم شده است. در بخش پولی، براساس سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه در سال ۱۳۸۱ سعی می‌شود تا ضمن تأمین نقدینگی بخش تولید و سرمایه‌گذاری، از اتساع پولی نامناسب با هدف کنترل نقدینگی و تورم جلوگیری به عمل آید.

البته پیگیری سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز بخشی از واحدهای اقتصادی را از جهت تأمین ریال مورد نیاز در مضیقه قرار داده است که سعی شده با بررسی دقیق طرح‌های متقاضی تسهیلات از نظر توجیه فنی و اقتصادی، راهکارهای مناسب به کار گرفته شود. به علاوه، در بخش مالی نیز با لغو معافیت‌های مالیاتی در چهارچوب قانون جدید مالیاتی، راه‌اندازی نظام جامع اطلاعات مالیاتی، مدیریت حساب ذخیره درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت خام جهت استفاده بهینه از منابع کمیاب و هموار نمودن وضعیت کسری بودجه طی سال جاری و عدم اتکالی کسری بودجه دولت به منابع بانک مرکزی، سعی در ایجاد سیاست‌های مالی هماهنگ با سیاست‌های پولی شده است. در این رابطه، «کمیته نظارت بر اجرای بودجه» متشکل از وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر بازرگانی، وزیر صنایع و معادن، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده است.

در همین ارتباط، طی ماه‌های اخیر، دولت تلاش گسترده‌ای را برای تأمین نیمی از کسری بودجه پیش‌بینی شده برای سال ۱۳۸۱ از طریق اجرای سیاست خصوصی‌سازی و فروش سهام شرکت‌های دولتی و طرق دیگر، به عمل آورده است.

۲) حال و آینده سیستم بانکی کشور

● سیستم بانکی کشور در رابطه با مقابله با چالش‌هایی که ناشی از پیشرفت فرآیند جهانی‌سازی است، چه برنامه‌هایی دارد؟ آیا این سیستم به این فرآیند خواهد پیوست؟
○ با در نظر گرفتن جهانی شدن اقتصادها و ادغام اقتصاد کشورها در یکدیگر، موضوع پیوستن به سازمان جهانی تجارت، در کانون مباحث اقتصادی کشور قرار دارد. در اصل، در آینده، با گسترش پدیده جهانی شدن اقتصاد، ابعاد مسایل و مشکلات کنونی کشور بیشتر خواهد شد، لذا رفع چالش‌های موجود که ریشه در مشکلات ساختاری عمیق ناشی از اتکا به درآمد حاصل از صدور نفت خام دارد، از اولویت بالایی برخوردار است. مهمترین الزاماتی که برای پیوستن به سازمان جهانی تجارت - به ویژه در بخش مالی - مطرح می‌شود، عبارتست از اعمال روش‌های صحیح تأمین مالی دولت، اجرای ترتیبات پولی بایئات، وجود بانک مرکزی قوی و مستقل و در کنار آن، سیستم بانکی سالم و بازارهای سهام فعال.

در همین راستا و با توجه به آن که دستیابی به رشد بلندمدت و پایدار اقتصادی، نیازمند تجهیز و تخصیص بهینه منابع سرمایه‌گذاری در اقتصاد ملی است و این مهم بدون کمک بازارهای مالی گسترده و کارآمد به سهولت امکان‌پذیر نمی‌باشد، لذا تنظیم مقررات، نظارت و بهبود روش‌ها و اصلاح ساختار

کالاها یا یارانه‌ای در نظر گرفته شده است. لذا دولت نیز در پی هدفمند نمودن یارانه‌ها بوده و اقداماتی نیز در سال ۱۳۸۱ در این زمینه انجام داده است که از آن جمله می‌توان به تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۸۱ در رابطه با تأمین اجتماعی و امور یارانه‌ها اشاره نمود. در بند «الف» این تبصره آمده است که به منظور تأمین کالاها یا یارانه‌های اساسی مورد نیاز مردم و جهت حمایت بیشتر از اقشار آسیب‌پذیر و خانواده‌های کم درآمد، مبلغ ۱۳۳۸۷ میلیارد ریال به عنوان یارانه کالاها یا یارانه‌های مذکور توسط سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و تصویب شورای اقتصاد توسط سازمان مذکور به دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط پرداخت گردد. همچنین، در بند «ص» این تبصره، تمهیداتی برای حمایت از مددجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی و سازمان بهزیستی پیش‌بینی شده است. البته اجرای کامل برنامه هدفمند نمودن یارانه‌ها موکول به تصحیح بهای کالاها و خدماتی است که در حال حاضر، با قیمتی بسیار پایین‌تر از قیمت تمام شده و هزینه فرصت آنها توسط دولت آرایه می‌گردد. برای مثال، می‌توان به تصحیح بهای انواع حامل‌های انرژی اشاره نمود که در صورت اجرا، منابع درآمدی قابل توجهی را در اختیار دولت قرار می‌دهد که می‌توان بر آن اساس، یک برنامه جامع جهت هدفمند نمودن یارانه‌ها را در بودجه‌های سالانه دولت طراحی نمود.

به علاوه، به منظور فراهم ساختن زمینه تحقق اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مفاد فصل پنجم قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، لایحه نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی تهیه شده است که قرار است براساس آن، وزارت (سازمان) «هماهنگی رفاه و تأمین اجتماعی» تشکیل گردد. از اهداف عمده این ارگان می‌توان به فراگیری قلمرو بیمه‌ای، جامعیت در آرایه خدمات امور تأمین اجتماعی، جلوگیری از تداخل گسترده وظایف و قلمروهای امور بیمه‌های اجتماعی و درمانی و ایجاد چهارچوب منسجم برای سیاست‌گذاری‌های کلان و راهبردی در زمینه تأمین اجتماعی در کشور اشاره نمود.

موفقیت سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در کوتاه مدت، از یک سو، در گروهی اجماع نظر مقامات پولی و مالی در تنظیم سیاست‌های پولی و مالی؛ و از سوی دیگر، تداوم سیاست ایمن‌سازی اقتصاد داخلی در مقابل شوک‌های خارجی (عموماً شوک‌های نفتی) از طریق مدیریت صحیح حساب ذخیره ارزی است. اما در میان مدت، علاوه بر موارد فوق، بایستی موانع نهادی و ساختاری بر سر راه رشد اقتصادی پایدار کشور برطرف گردد. لذا اجماع نظر مقامات اقتصادی و هماهنگی آنها در رابطه با شرایط فوق‌الذکر، نقش اساسی را در تداوم سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز ایفا می‌نماید.

● مساله هماهنگی بین سیاست‌های پولی و مالی جهت موفقیت سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز بسیار مهم است. آیا به نظر مدیران ارزی بانک مرکزی، این هماهنگی وجود دارد؟
○ به نظر می‌رسد که طی سال جاری و به منظور موفقیت هر چه بیشتر سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، سعی در هماهنگی

○ در اثر حمله امریکا به عراق، عسلی‌رغم جهش‌های کوتاه‌مدت قیمت نفت، تداوم وضعیت رکودی در اقتصاد جهان، تقاضای انسرزی را در سطح جهانی محدود خواهد کرد و موجب می‌شود که قیمت نسبی نفت در میان مدت دچار کاهش شود.

نظریات هیأت مدیره بانکها و کاملاً تحت خط مشی‌های مشخص و تعیین شده توسط هیأت مدیره این موسسات اعتباری بوده، که تحت نظارت بانک مرکزی و براساس دستورالعمل فوق‌الذکر به اجرا درمی‌آید.

● آیا اصلاحات در بخش بانکی و پولی، در سه سالی که از اجرای برنامه سوم توسعه می‌گذرد، روند برنامه‌ریزی شده را داشته است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، آنها را توضیح فرمایید.



▲ دکتر نوربخش: ثابت بودن نرخ سود طی سال‌های اخیر، به معنای پرداخت یارانه سود به سپرده‌گذاران از سوی بانک‌هاست.

○ طی دو سال و نیم گذشته، اقدامات اصولی و اساسی از جانب بانک مرکزی در زمینه اصلاح بخش‌های پولی و بانکی صورت پذیرفته و برخی نیز در مرحله اجرا می‌باشد. از جمله این اقدامات، می‌توان به سیاست‌های مربوط به آزادسازی، محدود کردن تسهیلات تکلیفی، مجاب نمودن بانک‌ها به استفاده از ۲۵ درصد منابع جهت اعطای تسهیلات به بخش‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری، تأسیس بانک‌های خصوصی، کاهش سپرده‌های قانونی، کاهش بیش‌پرداخت اعتبارات اسنادی و... اشاره نمود. از سوی دیگر، می‌توان به طرح‌هایی موسوم به گام دوم در حوزه بانکی اشاره نمود که در راستای اصلاح بخش پولی و بانکی در دست بررسی است و انتظار می‌رود که نتایج مثبتی نیز از آن حاصل شود. این طرح‌ها در هفت عنوان به شرح زیر تنظیم شده است:

- الف - تدوین مقررات و نظام جامع مدیریت و اطلاعات ارزی در سیستم بانکی؛
- ب - تکمیل مراحل اجرایی و عملیات حساب ذخیره ارزی؛
- پ - توسعه فعالیت بانکی در بخش خصوصی و غیردولتی

نظام بانکی در دستور کار سیستم بانکی کشور است. در همین رابطه، طرح‌های گوناگونی در دست بررسی است که برای مثال، می‌توان به طرح جامع تجدید ساختار بخش نظارت و مقررات نظام بانکی، اصلاح ساختار و سازمان بخش نظارت بانک مرکزی، طرح جامع نظام پرداخت، طرح تعیین جایگاه بانک‌های توسعه‌ای - تخصصی در نظام بانکی کشور، مشارکت در اجرای طرح جامع اصلاحات راهبردی در نظام بانکی کشور، شامل ساده‌سازی روش‌های اعطای تسهیلات، تجدیدنظر در روش‌ها و فرآیند ارائه خدمات بانکی (در همین زمینه می‌توان به لایحه پول‌شویی اشاره نمود)، ایجاد نهادهای توسعه و تحقیق در بانک‌ها، ایجاد زمینه‌های لازم برای رعایت نسبت‌های مالی استاندارد به منظور تأمین ثبات و سلامت مالی بانک‌ها، تدوین راهکارهای کارآمد برای واگذاری شرکت‌های وابسته به بانک‌ها و خصوصی‌سازی در بخش مالی اشاره نمود.

● فروش سهام بانک‌ها در بورس و عملی بودن این طرح

را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

○ در رابطه با فروش سهام بانک‌های دولتی در بورس، باید به نحوی حرکت نمود که مسایل از شفافیت لازم برخوردار باشند. برای مثال، قبل از هرگونه اقدامی در این جهت، باید به طور دقیق به تقویت موقعیت مالی بانک‌ها اقدام نمود. البته در رابطه با بحث خصوصی‌سازی، در حال حاضر، سهام شرکت‌های تحت پوشش بانک‌ها در بورس به فروش می‌رسد.

● تأسیس بانک‌های خصوصی یا موسسات پولی و مالی

سه اشکال زیر را دارند:

- ۱) تعیین اسم بانک‌های خصوصی نامرتبط با بخش‌های اقتصادی است و برای مردم ناآشنا هستند؛ فرضاً کشاورزی، صنعت، بازرگانی، مسکن و غیره؟
- ۲) تأسیس کنندگان آنها از افراد بازنشسته بانک‌های دولتی بوده و یک شبکه فامیلی و محافظه‌کارانه دارند، و ورود و استخدام به این بانک‌ها ناممکن است؟

۳) شباهت این بانک‌ها بیشتر به نگاه‌های اقتصادی (اعتباری) و بدون تدوین خط مشی مشخص برای جامعه است؟

○ براساس مصوبه شورای پول و اعتبار در تاریخ ۱۳/۴/۱۳۸۱، موسسات اعتباری به صورت عمومی و تخصصی مجاز به فعالیت می‌باشند، که در حال حاضر، به جز موسسه اعتباری توسعه صنعت و ساختمان، بقیه به شکل موسسات اعتباری عمومی فعالیت می‌کنند. به علاوه، چنانچه منظور از این بخش از سوال، سهم تسهیلات این موسسات اعتباری در بخش‌های مختلف اقتصادی باشد، باید اذعان نمود که این بانک‌ها خصوصی بوده و مجازند که در هر زمینه‌ای که سودآوری بیشتری دارد، فعالیت نمایند.

به علاوه، برای تأسیس هر فعالیتی - به ویژه بانکداری - تأسیس‌کنندگان باید از سابقه و تخصص کافی برای انجام این مهم برخوردار باشند، ضمن آن که، این موسسات در استخدام نیروی خود از آزادی عمل کامل همانند بانک‌های دولتی برخوردارند.

همچنین، تصمیمات متخذه در این بانک‌ها، براساس



○ قبل از هرگونه اقدامی در زمینه فروش سهام بانک‌های دولتی در بورس، باید به طور دقیق به تقویت موقعیت مالی بانک‌ها پرداختیم.

○ بانکداری اسلامی پیاده شده است، لکن بنا به دلایلی، نقایصی در اجرای آن مشاهده می‌شود.



با تاکید بر سرعت و انعطاف پذیری؛

ت - تحقق کامل عملیات بانکی بدون ربا؛

ث - تنظیم و اصلاح رابطه دولت و نظام بانکی؛

ج - توسعه و اصلاح نظام بانکداری؛

چ - تأمین منابع مالی بلندمدت برای سرمایه گذاری و تولید.

از سوی دیگر، طرح جامع دیگری در خصوص تجدیدنظر در ارکان بانکها، در بانک مرکزی در دست تنظیم و تدوین می باشد.

● با توجه به این که قرار است بعد از ۲۲ سال، بانکداری اسلامی پیاده شود، چرا هنوز این کار انجام نشده است؟ اگر معتقد هستید که ما در این جهت حرکت کرده ایم، چرا نرخ های سود بانکها ثابت و خیلی پایین تر از نرخ سودی است که بانکها از مشارکت های سرمایه گذاری خود به دست می آورند؟ و تصور اکثر مردم کشور از نرخ سود بانکها، همان نرخ بهره است؟

○ در این خصوص خاطر نشان می سازد که بانکداری اسلامی پیاده شده است، لیکن بنا به دلایلی، نقایصی در اجرای آن ملاحظه می شود. از جمله این نقایص می توان به وضع برخی قوانین و مقررات از جانب دولت و مجلس، مثلاً ثابت نمودن نرخ های سود برای گروه ها و یا اشخاص خاص، ارایه اطلاعات غلط از سوی مشتریان در مورد برخی از عقود مشارکتی و کمبود اطلاعات در مورد نوسانات قیمت کالاها و خدماتی - که مبنای قرار می گیرند - و کمبود آموزش اشاره نمود. همچنین، طی چند سال اخیر، سودآوری بانکها با توجه به وجود تسهیلات تکلیفی، پایین تر از نرخ سود علی الحساب قرار داشته است. بنابراین، ثابت بودن نرخ سود طی سال های اخیر، به معنای پرداخت یارانه سود به سپرده گذاران از سوی بانکها است. البته در سال های اخیر، حرکت هایی نیز در جهت قطعی نمودن نرخ های سود علی الحساب - به خصوص در بانک مسکن - صورت پذیرفته است.

۳) پیامدهای بحران عراق

● به نظر جناب عالی، تحولات منطقه خاورمیانه، به ویژه مساله حمله احتمالی امریکا به عراق، چه آثاری را بر وضع اقتصاد ایران و شاخص های مربوط و در چه بخش هایی خواهد گذاشت؟
○ همان گونه که حوادث ۱۱ سپتامبر در کشور امریکا و متعاقب آن، حملات نظامی امریکا و متحدانش به افغانستان، اقتصاد جهان را در ابعاد گوناگون تحت تاثیر خود قرار داده است، تحولات منطقه خاورمیانه، به ویژه مساله حمله احتمالی امریکا به عراق نیز به نوبه خود بر این روند تأثیرگذار می باشد. از جمله آثار تحولات بر جای مانده ناشی از حمله امریکا به افغانستان می توان به کاهش افق رشد اقتصادی جهانی، کاهش بهای سهام در بازارهای عمده مالی بین المللی به علت خروج منابع مالی از بازارهای مالی و افق رکود اقتصادی در بازارهای عمده صنعتی، تضعیف روند رشد جریان تجارت جهانی و کاهش

قیمت جهانی نفت اشاره نمود.

بدیهی است که اقتصاد ایران نیز جدا از اقتصاد جهانی نمی باشد و به اشکال گوناگون با اقتصاد جهانی آمیخته است و کاملاً تأثیرپذیر از شرایط حاکم بر جهان می باشد و نباید تأثیرپذیری اقتصاد کشور از روند اقتصاد جهانی و برخی از سیاست های متخذه را نیز از نظر دور داشت. از جمله آثار منفی، می توان به کاهش درآمدهای ارزی ناشی از افت جهانی قیمت نفت، افزایش هزینه های بیمه و حمل و نقل به علت ناامنی منطقه، کاهش رشد اقتصادی کشور و زمینه های مربوط به تأمین و پشتیبانی تجارت خارجی کشور اشاره نمود.

● اگر می شود، اثر حمله احتمالی امریکا به عراق را در اقتصاد کشور و به خصوص در قیمت نفت توضیح دهید.

○ اصولاً روند حاکم بر قیمت جهانی نفت از جهت نزدیکی فصل سرما و برنامه های کاهش تولید اوپک تحت تأثیر فزاینده، و از بابت حمله احتمالی امریکا به عراق تحت تأثیر کاهش قرار خواهد داشت. کشورهای تولید کننده نفت، به علت نیاز به درآمدهای صادراتی و فقدان سیاست های پیشگیرانه جهت مقابله با شرایط افت قیمت نفت - خصوصاً در شرایط رکودی - امکان کاهش تولید را نخواهند داشت، زیرا این سیاست موجب تشدید کاهش درآمدهای نفتی آنها می شود که انتظار جبران آن در میان مدت بستگی به شرایط اقتصاد جهانی و بازگشت اقتصاد جهانی به رشد خواهد داشت. نهایتاً می توان اذعان نمود که درآمدهای صادراتی کشورهای صادرکننده نفت در میان مدت با روند کاهشی ملایمی مواجه خواهد بود. کاهش درآمدهای صادراتی کشورهای نفت خیز، عملاً تقاضای وارداتی و رشد اقتصادی آنها را نیز با محدودیت مواجه می سازد. بنابراین، علی رغم آن که در سطح عام، افزایش قیمت نفت می تواند در کوتاه مدت آثار مثبتی بر اقتصاد کشور داشته باشد، لیکن همزمان با کاهش تقاضای مؤثر برای نفت از یکسو، و مخاطرات احتمالی ناشی از حمل و نقل آن از سوی دیگر، و سایر مخاطرات موجود، اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت نیز همسو با اقتصاد کشورهای مسلط، با شرایط رکودی مواجه خواهند گردید.

● با توجه به حمله احتمالی امریکا، تا چه حد افزایش نرخ تورم را فراتر از نرخ های پیش بینی شده محتمل می دانید؟ و اقتصاد ما تا چه حد از این امر متأثر می شود؟

○ همان گونه که در سوال قبلی توضیح داده شد، در صورت حمله امریکا به عراق، علی رغم جهش های کوتاه مدت قیمت نفت، تداوم وضعیت رکودی در اقتصاد جهان، تقاضای انرژی در سطح جهانی را محدود نموده و موجب می شود که قیمت نسبی نفت در میان مدت دچار کاهش شود. با توجه به وابستگی شدید بودجه دولت و تراز پرداخت های کشور به درآمدهای نفتی، افت درآمد نفت از یکسو، روند تورم را در اقتصاد کشور تشدید می نماید و از سوی دیگر، افق رشد تولید و سرمایه گذاری را تضعیف خواهد نمود. بدیهی است که وقوع دو پدیده فوق به صورت همزمان، می تواند اقتصاد کشور را از نظر ثبات مالی در میان مدت در وضعیت مخاطره آمیزی قرار دهد. ■

○ اعمال روش های صحیح تأمین مالی دولت، اجرای تسهیلات پولی بانکی، وجود بانک مرکزی مستقل و در کنار آن، سیستم بانکی سالم و بازارهای سهام فعال، از جمله الزامات برای پیوستن به سازمان جهانی تجارت است.